

میرزا کوچه میرزا

تاریخچه میرزا کوچک خان

روایتی نو و متفاوت از قیام جنگل
نوشته سید محمد بحر العلوم قزوینی
(۱۲۵۷ - ۱۳۳۲ شمسی)



به کوشش: مهدی نورمحمدی



فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۵	زندگی نامه آیت الله سید محمد بحر العلوم
۱۹	تاریخچه میرزا کوچک خان
۲۲	ترقی کوچک خان در جنگل فومن
۲۳	دعوی استقلال کوچک خان
۲۴	حرکت انگلیس ها به قفقاز
۲۶	ورود عثمانی ها به بادکوبه و عودت انگلیس ها به پهلوی
۲۸	تسلیم حاجی احمد به دولت و اعدام دکتر حشمت
۳۰	تشبث کوچک خان به بالشویک ها در خفا
۳۱	ورود بالشویک ها به پهلوی و خروج انگلیس ها
۳۴	شکست فاحش بالشویک ها از قزاق ها نزدیک قزوین و فرار به پهلوی
۳۶	پناهنده شدن کوچک خان به جنگل و طرفیت با روس ها
۳۸	قبضه بالشویک ها رشت را ثانیاً و تخلیه آن
۳۹	تصرف بالشویک رشت را ثالثاً و خالی شدن ایران از روس ها
۴۰	کارهای کوچک تا پایان امر او و تسلیم اکراد به دولت و سرگردانی کومونیست ها
۴۴	طغیان ابراهیم یا کبیر خان و هلاکتش
۴۴	سرکشی سید جلال چمنی و کشته شدنش

۴۵.....	احسان الله خان رئیس کومونیست‌های ایرانی
۴۶.....	ابراهیم آقای امینی کیست؟
۴۷.....	پایان کار کومونیست‌های ایرانی
۴۷.....	مفقود شدن قسمت مهمی از قشون روس در ایران
۴۹.....	پیوست ۱- زندگی نامه خودنوشت آیت الله بحر العلوم
۵۷.....	نژاد مؤلف از جانب پدر
۵۸.....	حاج میرزا رفیع مجتهد
۶۲.....	نژاد فقیر از جانب مادر
۶۳.....	سجل امی مؤلف و برادرانش
۶۵.....	پیوست ۲- تبار رشوندی میرزا کوچک خان جنگلی
۷۵.....	بخش تصاویر
۹۵.....	فهرست اعلام

مقدمه

نهضت جنگل و قیام میرزا کوچک خان جنگلی یکی از رویدادهای مهم تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود. تا کنون در خصوص این واقعه تاریخی و میرزا کوچک خان شخصیت اصلی و محوری آن، کتاب‌ها و مقالات متعددی به زبان فارسی و دیگر زبان‌ها به رشته تحریر درآمده و قضاوت‌ها و برداشت‌های گوناگونی نیز درباره آن صورت گرفته است.

کتابی که فراروی خوانندگان ارجمند قرار دارد، نوشته‌ای است مختصر اما جدید و متفاوت درباره نهضت جنگل و میرزا کوچک خان جنگلی که به نثری ساده و روان، توسط آیت الله سید محمد بحر العلوم قزوینی، از فضایی قرن حاضر (۱۲۵۷ - ۱۳۳۲ خورشیدی)، به رشته تحریر درآمده و خود مؤلف، آن را «تاریخچه میرزا کوچک خان» نام نهاده است.

مؤلف با ذکر این نکته که از هنگام ورود میرزا کوچک خان به جنگل تا پایان کار او، در انزلی، کسما و آبادی‌های اطراف انزلی حضور داشته، بر این اعتقاد است که این تاریخ را بدون دخالت دادن اغراض شخصی و بر اساس مشاهدات و شنیده‌های خود به رشته تحریر درآورده است. وی در این خصوص می‌نویسد: «علاوه بر این که در تمامی تألیفات خود، جمله‌ای

را بدون تحقیق کامل و یا آلوده به غرض و مرض رقم نزده‌ام، از داستان کوچک خان از بدو ورود او به جنگل تا خاتمت امرش در بندر پهلوی و آبادی‌های اطرافش و مخصوصاً مدتی در کسما یا مرکز جدید گیلان شخصاً حضور داشته و بیشتر مسموعات و مشاهدات خود را نگاهشته‌ام. و در خاتمه می‌افزاید: «این بود فهرست داستان کوچک خان و رفقای وی با سایر وقایع که مؤلف خود مشاهده کرده و یا به زحمت از مدارک معتبره به دست آورده‌ام و بدون مرض و اعمال غرض ثبت نمود، تا مغرضین چه بگویند و چه بنگارند.» (صص ۲۳ و ۴۸)

به طوری که از مطالعه این تاریخچه برمی‌آید مؤلف نظر مثبتی نسبت به میرزا کوچک خان نداشته که این دیدگاه در جای‌جای نوشته او منعکس شده است. به نمونه‌هایی از این گونه نظرها اشاره می‌نمایم:

- از بدایت حال، سخنان وی در خلأ و ملأ از بلندی خیالات و شور کله او حکایت می‌کرد و تدریجاً از برانگیختن فتنه در گوشه و کنار شهر و در آویختن به زید و عمرو در بین طلاب و کسبه به شرارت و در میان متمدین به وطن‌خواهی معرفی شد.» (ص ۲۰)

- «هر گاه انگلیسی‌ها از اندازه بُزدلی و کوچکی کوچک خان آگاهی می‌داشتند، آن همه لیره به روس‌ها بی‌جهت نمی‌دادند.» (ص ۲۶)

- «کوچک خان در طی نطق خویش، چهار ماهه در گذشتن از خاک ایران و تصرف هندوستان را به مجاهدین وعده قطعی داده ...» (ص ۳۴)

- «کوچک خان در بدو ورود بالشویک‌ها چنین می‌پنداشت که به همراهی ایشان در قلیل مدتی تمامی کشور ایران را خواهد متصرف گردید و شاهد بر این دعوی، نطق [بندر] پهلوی وی بود که مذکور گشت، لیکن

پس از استیلای بالشویک‌ها بر مازندران، از فرار آن‌ها به حمله مختصر یک عده قزاق دانست کوییدن بیرق داس و چکش چنان که در نطق پهلوی به اهالی وعده می‌داد به بام شمس‌العماره طهران بدان سهولت و آسانی که خیال می‌کرد ممکن نیست و فتوحات وی در جنگل و منهزم ساختن یک دسته روسی نابلد غریب نیز فقط به سنگرهای سخت طبیعی آن مستند بوده، نه به شجاعت مُشتی گیلانی و تنی چند فعله کرمانشاهانی.» (ص ۳۷)

- «کوچک خان از روس‌ها استفاده‌های مادی هنگفتی نمود، از آن جمله قیمت‌های برنج و سایر اشیائی بود که به روسیه حمل می‌شد، زیرا برنج‌هایی را که روس‌ها از کوچک خان می‌گرفتند و او از انبارهای تجار از باب ولایت به قصد قربت مطلقه می‌آورد با کمال دقت قپان کرده، به روس‌ها تحویل می‌داد. بعضی از این معنی عصبانی شده، با خشونت و تندى از روس‌ها پرسیدند شما که از کشور دیگری آمده و به ظلم اموال ما را غارت کرده می‌برید، دیگر چرا آن‌ها را توزین کرده، در دفتر ثبت و ضبط می‌کنید. جواب گفتند گویا شما چنین پنداشته‌اید که ما آن‌ها را مفت و بلاعوض مأخوذ می‌داریم، لیکن گمان شما غلط است. کوچک خان آنچه به ما می‌دهد به نرخ روز قیمت آن را نقد یا جنس از اسلحه و احجار کریمه و غیره از ما می‌گیرد.» (ص ۴۴)

- «هنگام کيفر خون‌های ناحق و روز تلافی ستم‌های گیلانی‌های مظلوم در رسیده، کوچک خان بیچاره شغال‌وار از این سوراخ به آن سوراخ جنگل گریخت. اکراد^۱ و قزاق‌ها او را تعقیب نموده، نقاط مهمه جنگل را از تصرفش